

پس چگونه میشود که ما تمدنی پراساس ویرانی منابع حیاتی را تقویت کنیم. این همان قتل نفس و خودکشی مذموم است.

سازمانهای حفاظت از محیط زیست را در اغلب کشورها داریم. ولی این سازمانها وقتی اسم صنایع نفت برده میشود یک پنبه بزرگ در گوششان فرو میکنند. چرا؟ چون توان مقابله با شرکتهای جهانخوار نفتی را ندارند. در کشور ما که اگر اینها بخواهند بر علیه نفت حرفی بزنند که جای گرم نرم و میزشان را بهمرا تمامی حقوق و مزایای ماهانه از دست میدهند و از فردایش باید یک کلنگ در دست بگیرند و برای یک لقمه نان ناقابل زمین را بکنند. این سازمانها، نه که ندانند چه چیزهایی برای محیط زیست بد است، نه بلکه در خیلی از موارد صدایش را در نیآوردند و بعضی اوقات هم اگر یک کلمه اشتهاً بزبانشان جاری شد باید عذرخواهی بکنند. پس برای چه هستند؟ مثل معروف: اگر آب در نمی آید، نان که در می آید. برای یک لقمه نان!

مطمئن باشید با ازدیاد آلودگی و از دست رفتن منابع و عملکردهای حیاتی زمین همین یک لقمه نان، بهمراه اکسیژن و خیلی از چیزهای دیگر از دست میرود.

سازمانهای حکومتی در کشورها چه میکنند؟ هیچ، هنوز تکلیفی ندارند و هر روز مشغول تشکیل میزهای گرد و دراز هستند. اینان تابع احکام سردمداران اقتصادی جهان هستند که به ویرانگری منابع حیاتی مشغولند و از طریق این تجارت بارهای خود را برای دو روز دنیا مینندند.

تو؛ وزیر، وکیل، قاضی، رئیس جمهور، پادشاه، امپراطور، خاقان، خلیفه، امیر، مدیرکل، تاجر، کارخانه دار، مفتی مذهبی، ارتشبد و سردار که در خانه (کاخ) و محل کارت از هواساز یونی و دستگاههای تهویه چهارفصل فیلتره برخوردار هستی و هوای و تنفس در هوای سالم را حق لا یتفک خود میدانی، مگر بقیه مردم و موجودات به همین هوای سالم نیاز ندارند که تو داری؟ از همینجا معلوم میشود که طبیعت دستخوش تخریب واقع شده و صاحب منصبان با استفاده از امکانات ساخته شده از ثروت همین مردم محروم خود را از بقیه جدا کردند. خوب ببینید و انصاف داشته باشید و با همه چیزها از جمله عوامل حیاتی برخورد و برنامه ریزی درهم و دیناری نکنید. هوای سالم را برای همه آحاد مردم حوزه خودتان هم بخواهید. شما با استفاده از امکانات تصفیه هوا، عملی را انجام داده اید که نامش هزینه مضاعف است و این هزینه ها حتماً به پای محرومین جامعه حساب میشود. از یکطرف منابع و ذخایر متعلق به مردم را در تجارت خودتان بکار میبرید. از طرف دیگر طبیعت و عوامل حیاتی متعلق به عموم جانداران را تخریب میکنید. و از طرف دیگر با کسب درآمدهای انحصاری و نامشروع از جیب همین مردم محروم برای شخص خودتان هزینه مضاعف مینمائید. چه جوابی دارید؟ مضحک است، جواب به چه کسی؟ در برنامه ریزیها، ابتدا باید جانب عوامل حیاتی را صد در صد در نظر گرفت. پس:

### «عوامل حیاتی را دریابید»

اقتصاد متکی بر نفت که سرمایه و مواد اولیه اش از نفت است، برای خودش دوره ای دارد. اما قبل از پایان این دوره، حیات هم به پایان میرسد. زندگی امروزی متکی به فرآورده های نفتی مانند جسمی است که در یک مسیر سرازیری قرار گرفته و برای بحرکت درآمدن تحریک شده باشد. این جسم با گذشت زمان تحت تأثیر مؤلفه عمودی شتاب جاذبه هر لحظه سرعت بیشتری میگیرد. تنها عاملی که میتواند مانع این سیر بنیان برانداز شود همانا ایجاد اصطکاک در مسیر حرکتش است. بنابراین اینکه من بخواهم با این انتقادات بجای و برنامه های اصلاحی خودم دنیا را یکشبه به بهشت تبدیل کنم از محالات است و هیچ شخص دیگری هم نمیتواند این ادعا را داشته باشد. ولی باید جلوی این حرکت ویرانگر را هرچه زوتر گرفت.

استفاده از مشتقات نفت بعنوان مواد اولیه در تولیدات، همانطور که عرض کردم علاوه بر زیانهایی که به محیط زیست وارد میکند، موجب ایجاد اختلال و رکود در صنایع پایه متکی بر ساز و کار حیاتی گردیده. امروزه بجای استفاده از مواد اولیه جاری که هم براحتی تولید میشوند و هم پس از فرسودگی براحتی جذب محیط میشوند، از مواد اولیه بر پایه نفت استفاده میشود. استفاده از مشتقات نفت موجب ورشکستگی بسیاری از تولید کنندگان مواد اولیه شده و سازندگان بخش صنعتی بطرف مواد اولیه نفتی گرایش پیدا کردند. با این روش، اقتصاد یک سمت و سوی انحصاری پیدا کرد و تمامی ثروتها بطرف تولید کنندگان مواد نفتی سرازیر میشوند. در کشورهای عقب افتاده، استفاده از فرآورده های نفتی موجبات وابستگی را بلحاظ احداث کارخانجات پتروشیمی و ملزومات مربوطه بوجود میآورد.

تعجب نکنید. بسیاری از محصولات که امروزه با تکیه بر نفت ساخته میشوند را میتوان با استفاده از مواد اولیه گیاهی و حیوانی ساخت.

﴿با عرض پوزش و تشکر از شما دانش پژوهان گرانقدر﴾

بررسی بیشتر راجع به استخراج، انتقال و مصرف انرژی پتانسیل شیمیایی فسیلی:

مصرف سوختهای فسیلی از هر نوع که باشند نیاز به مصرف اکسیژن دارند. در این فرایندها اکسیژن در ترکیباتی مانند: دی اکسید کربن، منواکسید کربن، اکسید سایر غیر فلزات افزودنی و اکسیدهای فلزی درگیر پیوند میشود. اعتقاد عامه بر این است که عملیات فتو سنتز، اکسیژن موجود در دی اکسید کربن را آزاد میکند و کربن موجود نیز بکار رشد و نمو گیاهان میآید. این باور درست است ولی نه از نظر کمی. این کار انجام میشود ولی در چه حجمی؟ فتو سنتز با توجه به کمترشدن پوشش گیاهی زمین، هرگز قادر به تجزیه این حجم عظیم دی اکسید کربن نیست. علاوه بر این، عملیات فتو سنتز قادر به جدا سازی اکسیژن از سایر ترکیبات اکسیژن دار نبوده و اکسیژن موجود در آن ترکیبات برای زمانهای طولانی همچنان در گیر پیوندشان می ماند.

بنابراین صرفنظر از آلایندهگی سوختهای فسیلی از جهات: گازهای گلخانه ای، ذرات معلق در هوا و آلودگی گرمائی، موجبات کاهش ذخیره حیاتی اکسیژن هم میگردد. زمین دارای ورودی و خروجی انرژی هست و در هر شبانه روز حدود  $10^{19}$  kj انرژی را رد و بدل میکند. ولی ماده قابل ملاحظه ای بر زمین وارد نمیشود و تا جائیکه مشخص است هیچ مولکول اکسیژنی به زمین وارد نشده و نمیشود. موضوع اکسیژن از موضوعات آلایندهگی مهمتر است، زیرا همه موجودات برای زنده ماندن به اکسیژن نیاز قطعی دارند. پس:

### «اکسیژن را دریابید»

اخیراً مد شده که از گاز طبیعی خیلی تقدیر و تشکر بعمل بیاید. در کشورمان سازمانی متولد شده بنام سازمان بهینه سازی مصرف سوخت و خیلی از گاز طبیعی تبلیغ میکند. بیچاره ها: گاز طبیعی هم برای رها کردن انرژی پتانسیل شیمیائیش نیاز به اکسیژن دارد. اکسیژن را از کجا وارد میکنند؟ مصرف عادی و صرفه جویانه تا حدی قابل تحمل است، ولی با اصراف چه باید کرد؟ عوامل اصراف در مصرف انرژیها کدامند؟ توقع بیش از حد، مسافتهای زیاد بین محللهای کار تا محللهای سکونت، ساخت و سازهای سلیقه ای مسکن، ادارات و کارخانجات، انجام سفرهای بیمورد، تشریفات و تجملات، تولیدات غیر ضروری و فروش آنها بکمک قرار دادن جایزه و تبلیغات گسترده و گوش خراش، قرار دادن بارانه برای سوختهای فسیلی و بسیاری از موارد دیگر که البته مهم هستند ولی از حوصله و گنجایش این مختصر خارجند.

مصرف سوختهای فسیلی، موضوعات استخراج و انتقال را با خود بطور الزامی بهمراه دارد. استخراج و انتقال این فراوردهها همانطوریکه در پیام قبلی اجمالاً بررسی شد دارای خطرات ویژه خودشان هستند. علل رویکرد به فرآورده های نفتی ریشه استعماری دارد. گسترش صنایع نفت بعلمت گرایش جهان پیشرفته و مدرن به آن است که تمام جهانیان را فریفته پیشرفتهای ظاهری خود نمودند و ملل دیگر با تاسی از این زمینه موجود، به آن گرایش شدید یافتند. و اساساً به امکانات موجود و گسترده دیگر که در زمین نهاده شده توجه نکردند.

پر واضح است که صنایع وابسته به نفت به سوخت خلاصه نمیشود، بلکه محصولات فراوان دیگری هم داریم که در زندگی روزمره از آنها استفاده مینمائیم. با گسترش صنایع وابسته به نفت، بسیاری از وسایل زندگی از قبیل لباس، فرش، کنش، ظرف و خیلی از چیزهای دیگر از مواد اولیه نفتی تهیه میشوند. قسمت عمده این وسایل پس از فرسوده شدن به زباله تبدیل میشوند و در محیط زیست پراکنده میگرددند. طبیعت در طول قرنها هم قادر به تجزیه آنها نیست. اینها را بعنوان آلودگی محیط زیست میشناسیم که علاوه بر آلودگیهای ناشی از سوختن مواد نفتی در جو زمین پخش میشوند. آلودگیها از هر نوعی که باشند مخل کارکرد اکوسیستم هستند. تا جائیکه میدانیم تا کنون از نفت، مواد غذایی بدست نیامده و مواد غذایی از کارکرد درست اکوسیستم حاصل میشود. و در قرون اخیر با گسترش روز افزون مصرف مواد نفتی اکوسیستم یا همان محیط زیست با خطرات و نقصانهای جدی مواجه شده و گونه هائی از گیاهان و جانوران منقرض شدند. پس:

### «منابع غذایی را دریابید»

محیط زیست چیست، که باید سالم بماند؟ محیط زیست به هر مکان و شرایطی گفته میشود که کلیه جانداران در آن به زندگی عادی خودشان بتوانند ادامه بدهند و کلیه اعمال مربوط به رشد و تکثیر را انجام دهند. یک موقع فکر نکنید که، حالا یک گونه از گیاه یا حیوان را نداریم یا کمتر داریم چه میشود؟ زنجیره ناقص میشود و حتماً کارکرد آن گونه از عهده بقیه موجودات ساخته نخواهد بود. پس با انقراض یک گونه هم میتوان گفت؛ حیات دچار اختلال میشود. تخریب محیط زیست، تخریب منابع حیاتی بمنزله قتل عام موجودات جهان است. آیا شما کسی را میشناسید که حکم قتل خود را صادر و اجراء نماید؟ اگر پاسخ مثبت است هرچه سریعتر او را به روانپزشک برسانید. در قوانین بشری و نیز تعالیم ادیان آسمانی، قتل نفس و نیز انتهار مردود شناخته شده اند.